

در بررسی تامین گاز از ترکمنستان و روسیه نمایان شد

دو مسیر پرچالش برای مدیریت ناترازی انرژی



ایران در حالی وارد فصل سرد و دوره اوج مصرف می‌شود که مسئله گاز، بیش از آنکه به کمبود ذخایر مربوط باشد، به ناترازی شبکه و فاصله جغرافیایی تولید تا مصرف گره خورده است. در چنین شرایطی، واردات یا سوآپ گاز برای تهران نه یک انتخاب نمادین، بلکه ابزاری عملی برای مدیریت فشار بر شبکه، تأمین پایدار مصرف شمال کشور و حفظ خوراک صنایع بزرگ است. در این میان، دو بازیگر اصلی یعنی ترکمنستان و روسیه، هر کدام با منطق متفاوتی در معادله تأمین گاز ایران قرار گرفته‌اند. به گزارش مهر، ترکمنستان از نگاه عملیاتی، فوری‌ترین گزینه برای ایران است. زیرساخت‌های اتصال دو کشور سال‌هاست وجود دارد و همین موضوع، سوآپ را به کم‌هزینه‌ترین و کم‌ریسک‌ترین مسیر بدل کرده است. مهم‌ترین تحول اخیر در این حوزه، فعال شدن مسیر سوآپ گاز ترکمنستان به ترکیه از طریق ایران بود که در مارس ۲۰۲۵ آغاز شد و ظرفیت آن تا ۲ میلیارد مترمکعب در سال اعلام شده است. این رقم در مقایسه با کل مصرف گاز ایران بزرگ نیست، اما برای تنظیم بخشی از توازن شبکه و ایجاد انعطاف در بهره‌برداری از خطوط، اهمیت بالایی دارد.

از سوی دیگر، قرارداد سوآپ ۱۰ میلیارد مترمکعبی ایران و ترکمنستان که در سال ۲۰۲۴ مطرح شد، نشان می‌دهد دو کشور به‌دنبال تثبیت یک رابطه پایدارتر هستند. در کنار این، بحث توسعه ظرفیت‌های اتصال و تقویت زیرساخت‌ها نیز مطرح بوده تا ظرفیت تبادل گاز در افق بالاتر افزایش یابد. مزیت اصلی ترکمنستان برای ایران، نزدیکی جغرافیایی و امکان تهاتر است؛ یعنی بخشی از گاز در شمال دریافت می‌شود و معادل آن در جنوب به مصرف‌کننده ثالث تحویل می‌گردد. این الگو، هم فشار حمل‌ونقل را کاهش می‌دهد و هم راهی برای دور زدن محدودیت‌های مالی ناشی از تحریم فراهم می‌کند.

با این حال، این همکاری بی‌دردسر نیست. ترکمنستان همواره سیاستی محتاطانه و معامله‌محور داشته و اولویت صادراتی خود را در درجه نخست با بازارهایی چون چین تنظیم می‌کند. بنابراین، هرچند سوآپ با ایران برای این کشور یک مسیر مفید است، اما نمی‌توان آن را یک تعهد بدون نوسان دانست. مسئله قیمت، زمان‌بندی تحویل، و سطح تولید داخلی ترکمنستان از جمله متغیرهایی هستند که

می‌توانند بر پایداری این مسیر اثر بگذارند. از منظر ایران، ترکمنستان بیشتر نقش «مسکن فوری» را دارد تا یک راه‌حل راهبردی بلندمدت.

مسیر فوری برای مدیریت ناترازی شمال
اهمیت ترکمنستان برای ایران در این است که مسئله را از سطح شعار و تفاهم‌نامه پایین می‌آورد و به سطح جریان واقعی گاز می‌رساند. هر حجمی که از این مسیر وارد شبکه شود، می‌تواند در استان‌های شمال‌شرق و شمال کشور به کاهش فشار مصرف کمک کند و در نتیجه، میزان محدودیت‌های فصلی بر بخش خانگی و صنعتی را کم کند. همین ویژگی، ترکمنستان را به مهم‌ترین گزینه کوتاه‌مدت تهران تبدیل کرده است.

اما این همکاری یک محدودیت ساختاری دارد: ظرفیت آن هرچند قابل توسعه است، اما به‌تنهایی نمی‌تواند همه ناترازی کشور را پوشش دهد. ایران برای عبور از بحران فصلی انرژی، ناچار است هم‌زمان روی مدیریت مصرف، افزایش بهره‌وری و تکمیل زیرساخت‌های انتقال داخلی کار کند. به بیان دیگر، گاز ترکمنستان فقط یک ابزار تنفسی است، نه درمان کامل بیماری شبکه.

در کنار ترکمنستان، روسیه نیز به‌عنوان گزینه‌ای راهبردی‌تر وارد گفت‌وگوهای انرژی ایران شده است. تفاوت روسیه با ترکمنستان در این است که همکاری با مسکو بیشتر به افق میان‌مدت و بلندمدت مربوط می‌شود و نه به رفع فوری کمبودهای شبکه. تفاهم‌نامه‌های دو طرف درباره انتقال گاز از مسیر آذربایجان، از این واقعیت خبر می‌دهد که ایران می‌خواهد به‌تدریج نقش هاب منطقه‌ای را در زنجیره انرژی ایفا کند؛ نقشی که در آن نه فقط مصرف‌کننده، بلکه مسیر عبور و تنظیم‌کننده جریان گاز باشد.

بر اساس توافق‌های مطرح‌شده در سال ۲۰۲۵، مسیر روسیه به ایران عمدتاً از خاک آذربایجان تعریف شده و در مرحله نخست، حجم انتقال در سطحی محدود مطرح است؛ هرچند در افق بلندمدت

از ارقام بسیار بزرگ‌تر سخن گفته شده است. اما مسئله اصلی اینجا، حجم روی کاغذ نیست؛ بلکه امکان عملیاتی شدن آن است. برای انتقال پایدار گاز روسیه، ایران باید علاوه بر توافق سیاسی، درباره قیمت‌گذاری، تعرفه ترانزیت، ظرفیت ایستگاه‌های پمپاژ و پایداری مسیر نیز به جمع‌بندی برسد.

گزینه راهبردی اما مشروط به زیرساخت و قیمت

روسیه از منظر ظرفیت تولید، شریک کم‌نظیری برای ایران است. این کشور مازاد گاز دارد، تحت فشار تحریم است و به دنبال مسیرهای جدید برای فروش و ترانزیت انرژی می‌گردد. از همین زاویه، همکاری گازی با ایران می‌تواند برای هر دو طرف سودآور باشد. ایران از گاز وارداتی برای مصرف داخلی و تقویت موقعیت ترانزیتی بهره می‌برد، و روسیه نیز راهی برای تنوع‌بخشی به بازارهای خود پیدا می‌کند.

با این همه، مسیر روسیه به ایران، پیچیده‌تر از همکاری با ترکمنستان است. وابستگی به آذربایجان، حساسیت‌های ژئوپلیتیکی، و لزوم نوسازی برخی بخش‌های زیرساختی، همه باعث می‌شوند که این پروژه در کوتاه‌مدت به اندازه سوآپ ترکمنستان قابل اتکا نباشد. افزون بر این، هنوز فرمول نهایی قیمت‌گذاری و جزئیات اجرایی آن به‌طور کامل روشن نشده است. بنابراین، در وضعیت فعلی باید روسیه را بیشتر یک پروژه استراتژیک دانست تا یک منبع فوری تأمین.

اثر این دو مسیر، فقط در تراز گاز کشور دیده نمی‌شود، بلکه مستقیماً بر صنایع بزرگ هم اثر دارد. هر مقدار گازی که برای شمال یا برای سوآپ اختصاص داده شود، به همان نسبت بر خوراک پتروشیمی‌ها، متانول‌سازها و صنایع فولادی اثر می‌گذارد. از این رو، بحث تأمین گاز از ترکمنستان و روسیه، فقط یک موضوع انرژی نیست؛ بلکه به زنجیره تولید، صادرات غیرنفتی، درآمد ارزی و حتی ثبات بازار سرمایه هم گره خورده است.

سخن پایانی

در جمع‌بندی می‌توان گفت ترکمنستان، گزینه عملیاتی و فوری ایران برای مدیریت ناترازی گاز است، در حالی که روسیه بیشتر نقش یک پروژه راهبردی برای آینده را دارد. اولی می‌تواند همین امروز در شبکه اثر بگذارد، و دومی در صورت حل گره‌های سیاسی و

تعمید وضعیت اضطراری

صادرات گاز مایع قطر

شرکت دولتی «قطر انرژی»، وضعیت اضطراری خود را در مورد تحویل گاز طبیعی مایع (ال‌ان‌جی) به مشتریان به مدت چند هفته تمدید کرد، زیرا جریان گاز مایع در تنگه هرمز همچنان مسدود مانده است. به گزارش ایسنا، معامله‌گران آگاه از وضعیت روز جمعه به بلومبرگ گفتند که «قطر انرژی»، هفته جاری به خریداران در پاکستان و بنگلادش اطلاع داده است که لغو محموله‌های ال‌ان‌جی تا اکتبر ادامه خواهد داشت. برخی از تحویل‌های برنامه‌ریزی شده قبلی به اروپا تحت قراردادهای بلندمدت نیز پس از سپتامبر لغو شده‌اند و شرکت ادیسون ایتالیا اعلام کرد که وضعیت اضطراری و لغو محموله‌ها تا اوایل نوامبر تمدید شده است. ادیسون در پایان ژوئیه، اعلام کرد که «قطر انرژی» سه محموله ال‌ان‌جی دیگر را لغو کرده و دوره وضعیت اضطراری تا ماه سپتامبر تمدید شده است. تا ۲۸ ژوئیه، در مجموع ۲۴ محموله ال‌ان‌جی برای تحویل به ادیسون از آوریل مشمول وضعیت اضطراری بوده‌اند که حجم کل آن تقریباً ۳ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی است. اکنون این دوره فورس مازور پس از سپتامبر تمدید شده است، زیرا ترافیک ال‌ان‌جی در تنگه هرمز همچنان متوقف است. محاسبات هفته گذشته رویترز نشان داد، شش ماه پس از آنکه تجاوز نظامی امریکا به ایران صادرات ال‌ان‌جی قطر را از طریق تنگه هرمز فلج کرد، دومین صادرکننده بزرگ گاز طبیعی مایع جهان، ۲۴ میلیارد دلار فروش خود را از دست داده، زیرا صادراتش حداکثر ۹۶ درصد کاهش یافته است. بر اساس گزارش پایگاه خبری اوپل پرایس، طبق داده‌های شرکت اطلاعات داده ICIS که توسط رویترز ذکر شده است، تعداد محموله‌های ال‌ان‌جی که قطر موفق به صادرات آن شده است، به تنها ۱۸ محموله رسیده که نسبت به ۵۰۹ محموله ارسالی از قطر در مدت مشابه سال گذشته، به شدت کاهش یافته است.

ترامپ از توافق جدید نفتی

امریکا با ونزوئلا خبر داد

دونالد ترامپ روز جمعه از توافق جدید نفتی امریکا با دلسی رودریگز، رئیس‌جمهوری موقت ونزوئلا، خبر داد و گفت که ایالات متحده کنترل اکثریت ۶۵ میلیارد بشکه ذخایر نفتی اثبات شده این کشور امریکای جنوبی را در اختیار خواهد داشت.

به گزارش ایسنا، شرایط این توافق هنوز مشخص نیست، اما رئیس‌جمهوری امریکا در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» گفت که این توافق «از طریق همکاری با شرکت‌های خصوصی» توسط وزیر امور خارجه، مارکو روبیو، و وزیر دفاع، پیٹ هگست، حاصل شده است. ترامپ نوشت که دولت «کنترل حداکثری امریکا بر بیش از ۶۵ میلیارد بشکه ذخایر نفتی اثبات شده در ونزوئلا را بدون هیچ هزینه‌ای برای مالیات دهندگان امریکایی تضمین کرده است».

ترامپ گفت که این توافق ذخایر نفتی امریکا را بیش از دو برابر خواهد کرد. روبیو در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «این توافق یک پیروزی بزرگ برای مردم امریکا و ونزوئلا است.» اعلامیه ترامپ جزئیات کمی در مورد ساختار توافق، مبادین یا شرکت‌های درگیر، یا نحوه اعمال کنترل اکثریت امریکا بر ذخایر ارائه داد. ونزوئلا حدود ۳۰۳ میلیارد بشکه ذخایر نفتی اثبات شده دارد که بزرگ‌ترین ذخایر نفتی جهان است. از زمانی که امریکا، نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهوری سابق ونزوئلا را در ژانویه دستگیر و از قدرت برکنار کرد، واشنگتن در تلاش بوده است تا جریان پایداری از نفت خام ونزوئلا را برای پالایشگاه‌های ایالات متحده تضمین کند و در عین حال سرمایه‌گذاری امریکایی‌ها را در صنعت انرژی رو به زوال این کشور عضو اوپک که ۱.۲۵ میلیون بشکه در روز نفت خام تولید می‌کند، ترویج دهد. ترامپ قبل از انتخابات میان‌دوره‌ای نوامبر به دلیل افزایش نرخ بنزین تحت فشار است که می‌تواند از طریق عرضه نفت ارزان‌تر و افزایش تولید کاهش یابد. امریکا همچنین به دنبال راه‌حل‌هایی برای پر کردن ذخایر استراتژیک نفت خود، از جمله امکان مبادله نفت خام با تولیدکنندگان امریکایی، بوده است. روزنامه وال استریت ژورنال اوایل هفته گذشته گزارش داد که دولت ترامپ «در حال مذاکرات پیشرفته با ونزوئلا برای خرید مستقیم سهام میدان نفتی است که تقریباً یک سوم ذخایر عظیم انرژی این کشور را در خود جای داده‌اند». پایگاه خبری اکسیوس نیز در این باره به نقل از یک مقام امریکایی که ادعا کرده بود این توافق عظیم خواهد بود، گزارش داد.

طبق گزارش‌ها، این بحث بر سر خرید سهام امریکا در امیدوارکننده‌ترین میدان‌های نفت و گاز ونزوئلا با حدود ۹۰ میلیارد بشکه ذخایر اثبات شده بوده است.

بر اساس گزارش گاردین، این خبر در حالی منتشر می‌شود که طبق گزارش وال استریت ژورنال، انتظار می‌رود شورون و دیگر شرکت‌های انرژی امریکایی هفته جاری قراردادی را برای سرمایه‌گذاری میلیاردها دلاری در میدان نفتی ونزوئلا امضا کنند.



ایران برای
جبران ناترازی
گاز، هم‌به‌سوآپ
ترکمنستان تکیه
دارد و هم‌به
توافق با روسیه
می‌اندیشد؛ اما
هر دو مسیر هنوز
با محدودیت
زیرساخت و
تحریم روبه‌رو
هستند

امارات متحده عربی از عضویت اوپک خارج شود، این دو خروج، بیش از ۵ میلیون بشکه در روز از ظرفیت تولید این سازمان را کاهش می‌دهد که معادل تقریباً ۱۷ درصد از ظرفیت اعضای اصلی در آغاز سال ۲۰۲۶ است. ونزوئلا همچنین برخی از بزرگ‌ترین ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارد که می‌تواند با افزایش سرمایه‌گذاری، تولید قابل توجهی را در طول زمان پشتیبانی کند. امارات متحده عربی پس از سال‌ها نارضایتی از محدودیت‌های تولید که ظرفیت تولید توسعه‌یافته این کشور را محدود می‌کرد، در آوریل خروج خود را از اوپک اعلام کرد. آنگولا در سال ۲۰۲۴ از اوپک خارج شد، در حالی که عراق در ژوئن هشدار داد که اگر پس از ارزیابی مداوم ظرفیت اعضا، محدودیت تولید بالاتری به آن داده نشود، می‌تواند خروج از اوپک را در نظر بگیرد. اگر مناقشه فعلی در منطقه حل شود و عرضه خلیج‌فارس به طور کامل بهبود یابد، اوپک می‌تواند با یک اقدام متعادل‌کننده دشوارتر روبه‌رو شود. آژانس بین‌المللی انرژی و سایر پیش‌بینی‌کنندگان، مازاد نفت جهانی را در چنین سناریویی پیش‌بینی کرده‌اند که به طور بالقوه فشار بر اوپک پلاس برای محدود کردن تولید را افزایش می‌دهد. در صورت نیاز به کاهش بیشتر، عربستان سعودی می‌تواند با فشار بیشتری برای به دوش کشیدن بار محدودیت عرضه داوطلبانه به عنوان رهبر

دهد. علی‌الریای، مدیر کل سابق بازاریابی نفت و گاز در وزارت انرژی عمان گفت: «انسجام و اعتبار اوپک می‌تواند در معرض خطر باشد. سوال اساسی این است که آیا این نشان‌دهنده آغاز موج گسترده‌تری از خروج‌ها است یا خیر.» اوپک و شرکایش پیش از این شاهد به چالش کشیده شدن سهم خود از عرضه جهانی به دلیل افزایش تولید از سوی امریکا، برزیل و گویان بوده‌اند. اخیراً، تجاوز نظامی امریکا به ایران، عربستان سعودی و سایر تولیدکنندگان خلیج‌فارس را مجبور به محدود کردن تولید کرده است، در حالی که نفوذ روسیه به دلیل تاثیر جنگ با اوکراین بر صادراتش، تضعیف شده است. حمد حسین، اقتصاددان اقلیم و کالاهای موسسه کپی‌تال اکونومیکس، گفت: «برای اوپک، این نشانه دیگری از کاهش نفوذ این گروه بر بازار نفت است که می‌تواند به نوسان بیشتر نرخ نفت منجر شود.»

خروج ونزوئلا پیامدهای محدودی در کوتاه‌مدت برای عرضه خواهد داشت. سال‌ها تحریم و آشفتگی اقتصادی، تولید این کشور را کاهش داده و درحال‌حاضر از سهمیه‌های تولید اوپک معاف است. با وجود توافقی‌های احتمالی نفتی با امریکا، افزایش قابل توجه تولید ونزوئلا در آینده نزدیک پیش‌بینی نمی‌شود. پیامدهای بلندمدت می‌تواند قابل توجه‌تر باشد. اگر ونزوئلا مانند

طی روزهای گذشته، گزارش‌هایی منتشر شده مبنی بر اینکه ونزوئلا هم‌زمان با بهبود روابط با امریکا، در حال بررسی روابط خود با اوپک بوده و ممکن است از سازمان کشورهای صادرکننده نفت که خود یکی از اعضای موسس آن بود، خارج شود. به گزارش ایسنا، نفوذ چند دهه‌ای اوپک بر بازارهای جهانی نفت با فشارهای جدیدی روبه‌رو شده است، زیرا ونزوئلا، عضو موسس این گروه، تنها چند ماه پس از خروج امارات متحده عربی، در حال بررسی خروج از این گروه تولیدکننده است. بلومبرگ با این مقدمه، در گزارشی نوشت: مقامات کاراکاس در حال بررسی این هستند که آیا سازمانی را که بیش از شش دهه پیش به تاسیس آن کمک کرده بود، ترک کنند یا خیر، زیرا ونزوئلا به امریکا نزدیک‌تر می‌شود. در حالی که این خروج، تاثیر فوری کمی بر عرضه جهانی نفت خواهد داشت، معامله‌گران و تحلیلگران می‌گویند چنین رویدادی می‌تواند انسجام و نفوذ اوپک بر نرخ نفت خام را بیشتر تضعیف کند. خروج احتمالی ونزوئلا پس از خروج امارات متحده عربی و در حالی مطرح می‌شود که عراق نیز از محدودیت‌های تولید خود ابراز نارضایتی کرده است. چندپارگی بیشتر می‌تواند رقابت میان تولیدکنندگان برای مشتریان و سهم بازار را افزایش دهد و در عین حال، توانایی اوپک را برای مدیریت دوره‌های عرضه بیش از حد کاهش



بالفعل اوپک مواجه شود.

بر اساس گزارش بلومبرگ، هنینگ گلشتاین، مدیرعامل انرژی و منابع در گروه اوراسیا، گفت: «اوپک در حال مبارزه‌ای است که به نظر می‌رسد در حال از دست دادن سهم خود در برابر تغییرات قابل توجه در ژئوپلیتیک نفت است.» او گفت که کاهش عضویت و حجم تولید، نفوذ این گروه را تضعیف می‌کند، زیرا امریکا در سمت عرضه اهمیت پیدا می‌کند و چین نقش بزرگ‌تری در تقاضای جهانی ایفا می‌کند.